



# نفوذ پیچیده و ظریف برای استحاله انقلاب اسلامی

علیرضادهشیری

بررسی کوتاه نفوذ برنامه ریزی شده عناصر غرب در حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست ایران  
با کمک عوامل نفوذی در دولت‌های مختلف پس از انقلاب

۸۷

فعالیتی کند، جدی، پیچیده، خطرناک و تأثیرگذار برخوردار بود. در این مقطع بر اساس آنچه از رسانه‌ها به دست می‌آید، آن‌ها در حوزه فرهنگ، وزارت ارشاد، وزارت آموزش عالی و حتی در شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت و جریان‌سازی جدی داشتند و با هدف ترویج و نهادینه کردن علوم انسانی غربی بخصوص بعد از ۱۹۸۰ به میدان آمدند. جریان استحاله طلب کوشید تا با ترویج جهان‌بینی سکولار، میدان عمل را برای جریان روشن‌فکری معاند فراهم کند.

برخی از روشن‌فکران معاند که در سال‌های ۵۷ تا ۶۰ به خارج از کشور رفته بودند، با فعال شدن نئولیبرالیسم بازگشتند و در عرصه مطبوعات و بازار نشر کتاب، حرکتی را آغاز کردند که می‌توان آن را فاز اول تهاجم فرهنگی دانست، که در دهه ۶۰ رخ داد.

نشانه‌های زیادی در دست است که سیاست‌گذاری‌های وزارت ارشاد آن زمان به‌طور کامل در جهت تقویت آن جریان با هدف ترویج پشیمانی از انقلاب است و معتقد است هر نوع حرکت انقلابی به استبداد و توتالیترالیسم می‌انجامد. به عبارتی، احساس نومی‌د از حرکت انقلابی به‌ویژه در نوشته‌های نویسندگان سکولار مشهود است.

در بخشی از سال ۶۷-۶۸؛ زمانی که تولیدات چندانی وجود ندارد، روشن‌فکران معاند داخلی نهضت ترجمه راه می‌اندازند و کتاب‌هایی از هانا آرنست، مائوس اشمربر، جرج اورول، کارلوس کاستاندا و... که همگی از اعضای ناتوی فرهنگی هستند، ترجمه و منتشر می‌کنند. آن‌ها در زمان

## مقدمه

از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا طرح‌های گوناگونی با هدف براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران اجرا کرده است. در این نوشتار، ابتدا مروری فشرده بر جریان استحاله طلب پس از پیروزی انقلاب خواهیم داشت. آمریکا و نظام جهانی سلطه و غرب مدرن نمی‌خواستند و نمی‌توانستند بپذیرند از مجموعه کشورهای اقماری وابسته به خود، ایران به عنوان یک کشور مستقل از آن‌ها جدا شود. بنابراین با تمام توان کوشیدند تا ایران را به وضعیت پیش از پیروزی انقلاب بازگردانند و سیطره غرب‌زدگی شبه‌مدرن را در این کشور احیا کنند.

برای رسیدن به این هدف، در هر مقطع با توجه به اوضاع و توازن قوا راهبرد و تاکتیک خاصی برمی‌گزیدند. از آغاز تأسیس جمهوری اسلامی در سال ۵۷-۵۸ یک جناح لیبرال در کشور حضور فعال دارند؛ در همان ابتدا مهندس بازرگان، نهضت آزادی و بسیاری از سران جبهه ملی در دولت موقت حضور داشتند.

بعد از واقعه بزرگ ۱۳ آبان سال ۵۸ و تسخیر لانه جاسوسی، بنی‌صدر از داخل کشور نقش جریان لیبرالی دنبال‌کننده خط استحاله را بر عهده گرفت.

پس از سال ۶۰ و به بن‌بست رسیدن جریان بنی‌صدر، جریان استحاله طلب خود را این بار ذیل ایدئولوژی نئولیبرال<sup>۱</sup> معرفی کرد و با وجود این که در فاصله سال‌های ۶۰ تا ۶۸ «مهره» و «تابلو»ی آشکار سیاسی نداشت، از



فکری فرهنگی چگونه نتیجه سیاسی خود را در جامعه گسترش داد.

### هشدار رهبر انقلاب از اواخر دهه ۶۰ درباره شیخون فرهنگی

برنامه جریان نفوذ و استحاله طلب در دهه ۶۰ تنها در بخش فرهنگی فعال است و در حوزه اقتصادی یا سیاسی به صورت آشکار فعالیت ندارد. از سال های ۶۹-۷۰ مقام معظم رهبری هم در مورد دو موضوع به کرات هشدار می دهند؛ یکی تجمل گرایی مسؤولان و دیگری تهاجم فرهنگی است که با تعابیر مختلف مانند شیخون فرهنگی و حتی بعدها جنگ نرم از آن یاد می کنند.

اما در این زمان دو بخش نفوذ (فرهنگی و اقتصادی) کاملاً به هم پیوسته است؛ از سال ۶۸ به بعد تهاجم فرهنگی خزنده و نه چندان رسمی بود، اما با روی کار آمدن دولت کارگزاران کاملاً رسمی می شود. در دهه ۷۰ بخش نفوذ اقتصادی هم به این جریان اضافه می شود و آن را تقویت می کند، که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

### افتخار به ایجاد جریان گردون

مجله گردون، عنوان ماهنامه فرهنگی ادبی اجتماعی بود که از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴ به سردبیری عباس معروفی در تهران منتشر می شد. این مجله بنیان گذار جایزه ادبی به نام قلم طلایی گردون بود. این ماهنامه از سوی نویسندگانی همچون مرتضی آوینی در معرض نقد قرار داشت. دیدگاه این نشریه، دیدگاه لیبرالیستی غربی بود. ماهنامه گردون طرح توهین آمیز پشت جلد توقیف و با حکم قضایی تعطیل شد و سردبیر آن نیز پس از مدتی به آلمان مهاجرت کرد.

در دهه ۷۰ فعالیت جریان لیبرالیستی در دولت سازندگی در حدی علنی است که معاون رئیس جمهور وقت، عطاءالله مهاجرانی، حامی علنی و رسمی مجله گردون می شود و رئیس دولت اصلاحات که وزیر ارشاد آن زمان است، افتخار می کند که: عباس معروفی و جریان گردون را ما ایجاد کردیم؛ جریان گردون جریانی است که شدیداً خط روشن فکری را در کشور احیا می کند. در پی آن بازار کتاب به شکلی درمی آید که امکان مانور جریان روشن فکری را مهیا می کند.

### غربت جریان انقلابی و حمایت دولت از جریان روشن فکری

در آن ایام از سوی دولت سازندگی، جریان روشن فکری حمایت می شود و از طرفی جریان انقلابی مورد بی مهری قرار می گیرد. جریان انقلابی پول و امکانات چندانی برای انتشارات و مانور ندارد. کل دارایی و امکانات جریان انقلابی در دو نشریه حوزه هنری خلاصه می شد. فرزندان انقلاب همچون هم سنگران خود در جبهه های نبرد، در عرصه فرهنگ و هنر، سرسختانه جلوی جریان نفوذی ها ایستادند. افرادی مانند شهید آوینی سرسختانه جلوی معاونت سینمایی ارشاد که در آن دوره در خدمت جریان روشن فکر بود، ایستاد. با وجود این، از دل جریان روشن فکری وزرات ارشاد در دهه ۶۰ و ۷۰، افرادی مانند مخملباف درآمدن و آثاری از قبیل «عروسی خوبان»، «توبت عاشقی» و «زاینده رود» تولید شد.

### دولت سازندگی؛ زمینه ساز بخش اقتصادی نتولیبرال

در دولت موسوی که گروه های بوروکرات و تکنوکرات حضور دارند، در سایه جنگ که تمام نگاه ها به جبهه ها دوخته شده و افکار عمومی به آن سو متمرکز است، این گروه در نظام نفوذ کرده و با حوصله و آرامش،

جنگ سرد بین آمریکا و شوروی و بین بلوک شرق و غرب، به منظور مبارزه با آرمان گرایی و ایده انقلابی از هر سنجی چه اسلامی و چه غیراسلامی، زرادخانه ای تئوریک آماده کرده بودند.

خانم هانا آرنت، رئیس جامعه زنان صهیونیست است و کتاب های زیادی از جمله کتاب انقلاب، خشونت، توتالتریزم، امپریالیسم توتالتر و غیره در سال های مختلف از او منتشر شده است؛ محور اصلی این کتاب ها محکومیت هر نوع رویکرد انقلابی است؛ چه این که وی انقلاب را موجب خشونت و ایجاد استبدادی بدتر از شرایط قبل می داند. هانا آرنت می گوید باید دور انقلاب را خط کشید و اساساً آرمان گرایی اشتباه است. او معتقد است بایستی به فضای موجود عالم و نظام جهانی و نرم ها و باورهای آن پیوست.

مانس اشمربر یکی دیگر از کسانی است که از جریان انقلابی دست کشیده و به ترویج ایده های نتولیبرالی پرداخته است. کتاب معروف او «خشم اقیانوس» است که در سال ۶۲ یا ۶۳ به فارسی ترجمه شد و بلافاصله دو سه کتاب دیگر از مجموعه مصاحبه ها و گفت و گوهای وی چاپ می شود. این کتاب ها ناشران خاصی مانند نشر خوارزمی، نشر نو و... دارند.

در کنار این جریان نفوذ فرهنگی در بازار کتاب، جریانی خاص در حیطه مطبوعات نیز شروع می شود که اغلب، از شاگردان عبدالکریم سروش هستند. آن ها بدون این که تابلوی خود را بالا ببرند، در مطبوعات اصلی آن زمان از قبیل کیهان، اطلاعات، مجله زن روز، کیهان فرهنگی و... خط ستیز با آرمان گرایی، انقلابی گری و القای پشیمانی از آرمان های انقلاب اسلامی را در پیش گرفته، آن را تقویت می کنند.

این خط در سال های ۶۴ تا ۶۵ اقدام به ترجمه و انتشار کتاب «جامعه باز و دشمنان»<sup>۲</sup> از پوپر و کتاب «بچه های نیمه شب» از سلمان رشدی می کند. کیهان فرهنگی بزرگ ترین نظرسنجی را در مورد آن ها سامان می دهد. این جریان در سال ۶۵؛ دو سال قبل از حکم امام نسبت به سلمان رشدی، با نفوذ در وزارت ارشاد، جایزه کتاب سال را به کتاب «بچه های نیمه شب»<sup>۳</sup> اختصاص می دهد!

این جریان با ورود به عرصه سینمایی، سینمای تارکوفسکی و سینمای پاراجونف را ایجاد و فضا را برای عباس کیارستمی و بیضایی فراهم می کند؛ همچنین زمینه روشن فکری و شبه مدرنیته را فراهم می سازد. این برنامه ها هنوز به صورت خزنده و بطئی اجرا می شود، اما این جریان در سال ۶۷ با مقالات عبدالکریم سروش تحت عنوان «قبض و بسط تئوریک شریعت» تابلوی خود را بالا می برد و علنی می شود.

### محور عقیم شدن شورای عالی انقلاب فرهنگی

حرکتی خزننده اما بسیار فعال در عرصه فرهنگی با محوریت سروش در شورای عالی انقلاب فرهنگی آن زمان حضور دارد، که موجب می شود شورای عالی انقلاب فرهنگی عقیم شود و انقلاب فرهنگی واقعی در دانشگاه ها ادامه نیابد و در مقابل، به سمتی می رود که جریان علوم انسانی غرب در نظام دانشگاهی گسترشی فوق العاده می یابد و جریان پوزیتیویستی مبتنی بر فلسفه غرب که در خود غرب منسوخ شده بود، کاملاً جا افتاد و نظام دانشگاهی ما به سمت ترویج پوزیتیویسم و ترویج مجهولات نتولیبرالیستی از طریق علوم انسانی پیش می رفت. با تأسیس نظام دانشگاه آزاد و گسترش آن در اقصی نقاط کشور، این جریان گسترش یافت و فضا را در جامعه برای آن مهیا کرد و بعدها دیدیم این جریان





دارد. سپس دو بخش اقتصادی و فرهنگی باهم هماهنگ می‌شوند و به نظام آموزش عالی در اقصی نقاط کشور برده می‌شوند. جریان نئولیبرال با محوریت ترویج جهان‌بینی علوم انسانی غربی در کشور حرکت می‌کند. از سال ۶۸ با حرکت سازمان‌یافته فرهنگی اقتصادی روبرو هستیم که اغراض مشخص سیاسی دارد و قوه مجریه در اختیار کسانی است که خود را لیبرال دمکرات‌های مسلمان می‌دانند، در این جاست که مقام معظم رهبری بارها درباره تهاجم فرهنگی و تجمل‌گرایی مسؤولان هشدار می‌دهند؛ زیرا تجمل‌گرایی ناشی از همان حرکت اقتصادی مسؤولان به سمت سرمایه‌داری است، مسؤولانی که در حال دور شدن از سادگی‌زیستی هستند. در این دوره برخی بحث مانور تجمل‌گرایی را در کشور مطرح می‌کنند و می‌گویند ما باید به سمت این مساله برویم و به صراحت از سرمایه‌داری دفاع می‌کنند.

### سیاست خصوصی‌سازی و بازتاب‌های تند اجتماعی

سرمایه‌داری شبه مدرن ایران موجب وابستگی می‌شود و در تضاد تمام‌عیار با عدالت و آرمان‌های مستضعف‌گرایانه انقلاب و شعارهای عدالت‌طلبانه انقلاب قرار دارد. سیاست‌های جریان نئولیبرال تحت عنوان تعدیل و خصوصی‌سازی در کشور موجب بازتاب‌های تند اجتماعی شد. این جریان برای خصوصی‌سازی، حلقه بوروکراتیک دولتی را صاحب سرمایه و ثروت می‌کنند، سپس آن حلقه خود را به سطوح مختلف جامعه بسط داده و لایه‌های متعددی در پشت این حلقه تشکیل می‌شوند. حلقه‌ها طفیلی‌های حلقه اصلی سرمایه‌داری هستند. بخشی از این طبقه متوسط مدرن از سرریز سرمایه‌ای که جریان اصلی در اختیار دارد، استفاده می‌کند. بدین ترتیب این افراد برای خودشان بدنه اجتماعی ایجاد می‌کنند.

این بدنه اجتماعی، همان بدنه‌ای است که جریان نفوذی با روزنامه و انتشارات و ... آن‌ها را تقویت می‌کند و همان بدنه‌ای است که این جریان سعی کرد به وسیله آن‌ها در سال ۷۶ رأی خود را بگیرد و از آن استفاده کند. لذا نتیجه این حرکت، سیاسی است که آن‌ها آرایش اجتماعی و اقتصادی ایران را به موازات آرایش فرهنگی تغییر می‌دانند. این حرکت در همان مسیر دهه ۶۰ قرار داشت و در پی کنار گذاشتن آرمان‌گرایی انقلابی، شعارهای عدالت‌طلبانه و مبارزه با نظام جهانی سلطه‌هست؛ در حالی که ما از منظر عدالت‌طلبی شیعی حرکت می‌کنیم و به آرمان‌های مکتب امام خمینی (ره) تکیه داشته و داریم. این مکتب بر مبارزه با نظام سلطه تأکید دارد، و رهبر انقلاب نیز بر همین اصول تکیه می‌کند؛ اصولی که از شاخصه‌های آن، دعوت از مستضعفین و مسلمانان جهان برای مبارزه با نظام جهانی سلطه است.

امام خمینی نظام دنیا را نظام ظلم و سلطه می‌داند و مکرر برای بر هم زدن این نظام ظالم بین‌الملل دعوت می‌کرد. ایشان می‌فرمودند باید هسته‌های مقاومت حزب‌الله و مستضعفین تشکیل شود. شاخصه دیگر تفکر امام خمینی، آرمان‌گرایی انقلابی بدون ذرای چشم‌پوشی و مسامحه، و نیز عدالت‌خواهی است، در حالی که این چیزها با سرمایه‌داری شبه‌مدرن تعارض آشکار دارد. چون در ایجاد و بازسازی سرمایه‌داری شبه‌مدرن، یک لایه متمول و مرفه بی‌درد ایجاد می‌شود و گسترش می‌یابد که فرهنگ آن، فرهنگ سکولار مدرن و جهان‌بینی‌اش علوم انسانی مبتنی بر اومانیزم است. این لایه از کتاب‌ها و نشریات روشن‌فکران تغذیه می‌کند.

بخش فرهنگی نئولیبرال را شکل می‌دهند.

تیم بوروکرات‌ها که در دولت مهندس موسوی بودند و آن زمان ادعاهای خیلی تند چپ هم داشتند، بعد از سال ۶۸ در دولت سازندگی نسخه‌های اقتصادی نئولیبرالی را ترجمه و اجرا می‌کنند و بخش اقتصادی جریان نئولیبرالیست در کشور تشکیل می‌شود. بخش فرهنگی و روشن‌فکری این جریان که در دهه ۶۰ شکل گرفته بود، به کمک آن می‌آید. این جریان، بخش اقتصادی و سرمایه‌داری شبه‌مدرن ایران را که بر اثر انقلاب اسلامی ضربه خورده بود و سرمایه‌داران آن متواری یا کشته شده بودند، به صورت جدید بازسازی می‌کند و هسته مرکزی سرمایه‌گذاری شکل می‌گیرد.

### در کنار این جریان نفوذ فرهنگی در

بازار کتاب، جریانی خاص در حیطه

مطبوعات نیز شروع می‌شود که اغلب، از

شاگردان عبدالکبیریم سرروش هستند. آن‌ها

بدون این که تابلوی خود را بالا ببرند، در

مطبوعات اصلی آن زمان از قبیل کیهان،

اطلاعات، مجله زن روز، کیهان فرهنگی و...

خط سستیز با آرمان‌گرایی، انقلابی‌گری و

القای پشیمانی از آرمان‌های انقلاب اسلامی

را در پیش گرفته، آن را تقویت می‌کنند.

این هسته مرکزی سرمایه‌داری جدید، همان تیم بروکرات-تکنوکراتی است که در دولت موسوی حضور دارند اما این بار نسخه نئولیبرالیستی می‌پیچند و یک رویکرد اقتصادی نئولیبرالی به موازات رویکرد فرهنگی نئولیبرالی را شکل می‌دهند. این دو جریان خیلی خوب همدیگر را تکمیل و تقویت می‌کنند. یعنی در دولت سازندگی، جریان اقتصادی شکل می‌گیرد که پشتوانه عظیمی برای حرکت فرهنگی جریان روشن‌فکری می‌شود و از طرف دیگر این جریان فرهنگی نئولیبرال‌ها یک پشتوانه عظیمی است برای طبقه اجتماعی که آن‌ها ایجاد می‌کنند.

در این دوره نئولیبرال‌ها دو کار انجام می‌دهند، آن‌ها ابتدا یک طبقه مدرن سرمایه‌دار سکولار در ایران تأسیس می‌کنند، سپس یک طبقه متوسط مدرن را ایجاد و آن را پر و بال می‌دهند. در همه دنیا این طبقه متوسط مدرن، به طور متعارف سکولار هستند و اساسا برای این که مقوم رژیم‌های غرب‌گرا در کشورهای جهان سوم باشند، ساخته می‌شوند.

### حرکت سازمان یافته فرهنگی؛ اقتصادی برای اغراض سیاسی

این طبقه متوسط مدرن در دوره کارگزاران شکل گرفته و به آن‌ها پر و بال می‌دهند و به صورتی وحشتناک گسترش می‌یابند. این طبقات متوسط مدرن، حاصل سیاست‌گذاری اقتصادی نئولیبرال کارگزاران در عرصه اقتصاد است. این طبقه متوسط مدرن از جهت فرهنگی از طریق جریان فرهنگی نئولیبرالی تغذیه می‌شود. همان گونه که ذکر شد، این جریان در حوزه مطبوعات، کتاب، نمایش، سینما و... نیز حضور و فعالیت



مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی را مطرح می‌کنند؛ زیرا اقتصاد مقاومتی تنها راه حل بازطراحی اقتصاد ما است و ساخت اقتصادی را عوض می‌کند. ایشان با این طرح می‌خواهند مرکز ثقل اقتصاد را به درون ببرند و سلطه اجانب را قطع کنند. در واقع، اقتصاد مقاومتی اتوبان نفوذی را که با نسخه‌های اقتصاد نئولیبرال برای ورود دشمن ایجاد شده است، مسدود می‌کند.



توطئه آن‌ها افشا شد. رهبری در واقع از جمهوریت و اسلامیت مکتب امام خمینی، دفاع کردند و فرمودند هویت ملی ما، استقلال و عزت ملی است. اگر توطئه کودتای رنگی پیروز می‌شد، ما همه موارد فوق را از دست می‌دادیم و به غربزدگی شبه مدرن در قبل از انقلاب آن هم در ضریبی به مراتب بدتر برمی‌گشتیم.

طراحی دشمنان بعد از شکست در این کودتا و فتنه ۸۸، این بود که آرایش خود را عوض کنند. زیرا آن‌ها به این موضوع پی بردند که با آوردن نمایشی مردم به خیابان‌ها نمی‌توانند پیروز شوند و می‌دانند که این نظام هم بدنه اجتماعی و حامی با اراده قوی آرمان‌گرایی دارد که پای انقلاب ایستاده‌اند. بنابراین نمی‌توانند با این شیوه پیروز شوند.

لذا جریان نفوذی مجدداً کوشید همان خط استحاله که در بین مسؤولان قبلاً از دهه ۶۰ آغاز کرده بودند، را احیا کند. با افشاری‌های رهبر معظم و ایستادگی جریان حزب‌الله، این جریان استحاله‌طلب در حوزه اقتصاد و نتایج شوم سیاست اقتصادی آن، بارها شکست خورده بود.

#### برخلاف تبلیغ تکنوکرات‌ها، وابستگی به نظام سلطه در هیچ کجا باعث رفاه نبود

جریان نفوذی دوباره با هماهنگی امپریالیسم جهانی به این نتیجه رسید که فشار اقتصادی و فشار تحریم‌ها را بر مردم اعمال کنند تا از این طریق مردم را تحت فشار قرار دهند. از طرفی مکرر در رسانه‌ها اعلام می‌کردند که اگر می‌خواهید از این فشار اقتصادی آزاد شوید، باید با نظام جهانی کنار بیایید و این گونه القا کردند که نظام جهانی اهل گفت‌وگو و منطق است، باید با این نظام حرف بزنی و مشکلات را حل کنیم. زیرا سوءتفاهم‌هایی بین ما وجود دارد که اگر مذاکره کنیم حل می‌شود و فشارها هم برداشته می‌شود!

سپس انقلابی‌گری و آرمان‌گرایی را که عین مکتب امام و فراتر از آن عین تشیع و اسلام حقیقی و همچنین از ویژگی‌ها و سنت دیرینه جامعه ما است، عوض کردند. آن‌ها به نوعی صورت مساله را تغییر دادند و به مردم چنین القا کردند که ما مشکل اقتصادی داریم و چون می‌خواهیم مستقل باشیم و مقابل نظام سلطه قرار نگیریم، باید به این سمت برویم که استقلال را رها کرده، نظام جهانی را بپذیریم تا مشکلاتمان حل شود. برخلاف این القاها، تجربه تاریخی کشورهای مختلف مانند پرو، مکزیک، هائیتی، اکوادور، آرژانتین و بنگلادش نشان می‌دهد که اگر وابسته به قدرت‌های استکباری و امپریالیستی باشیم هرگز رنگ رفاه اقتصادی را

بنابراین آن‌ها با انقلاب اسلامی و مستضعف‌گرایی و عدالت و حتی دیانت بیگانه هستند. این لایه سعی می‌کند آموزش عالی خود را ادامه دهد و مدرک بگیرد و بعدها به کرسی‌های مسؤولیت و مدیریت در نظام برسد و این خط بوروکراتیک و تکنوکراتیک را ادامه دهد.

#### امروز از نفوذ فرهنگی و سیاسی دهه ۶۰ بهره‌برداری می‌شود

دشمنان انقلاب اسلامی، نفوذ فرهنگی و اقتصادی خود را از دهه ۶۰ شروع کردند و همچنان به دنبال این هستند که میوه آن را در نفوذ سیاسی بگیرند. آن‌ها در پی بهره‌برداری از حرکتی که از سال ۶۰ شروع کردند، بودند. اولین نقطه عطف آن‌ها در سال ۷۶ بود؛ در سال ۷۸ ماجرا را به ۱۸ تیر کشاندند اما با تیزی بی‌مدرانه و مقتدرانه مقام معظم رهبری، شکست خورده و عقب‌نشینی کردند. برای آن‌ها نتایج انتخابات ۸۴ و ۸۸ هم جالب نبود لذا سعی کردند خود را در سال ۸۸ احیا کنند. از آن جا جریان نفوذی به این نتیجه رسیده بود که در اقتصاد قوی هست و حرف اول را می‌زند و از طرفی در عرصه فرهنگ هم حضور بسیار پررنگی دارد و با خود اندیشید که باید میوه فعالیت اقتصاد و فرهنگ قوی را در سیاست بگیرند و سهم خویش را در سیاست افزایش دهد؛ سپس کل نظام را به نفع خود عوض کند.

میرحسین موسوی روز قبل از انتخابات ۸۸ در مصاحبه با مجله خارجی «تایمز» آشکارا می‌گوید: «من آمدم تا معادلات را در ساختار قدرت بر هم بزنم» و وقتی خبرنگار از ایشان می‌پرسد: «با حضور رهبری چه‌طور می‌توانید این کار را انجام بدهید؟» می‌گوید: «وقتی مردم به خیابان می‌آیند، رهبری هم مجبور است عقب‌نشینی کند!» این موضوع بیان‌گر این است که این‌ها به دنبال مدل و استراتژی کودتا یا انقلاب رنگی بودند.

ماهیت انقلاب رنگی، کودتایی است که یک جناح غرب‌گرا در حاکمیت حضور دارد و در عین حال پمپاژ رسانه‌ای پرفشار توسط جریان غرب‌گرا صورت می‌گیرد و یک بدنه اجتماعی هرچند ضعیف حاضر است و به خیابان می‌آید. دولت هم به دلیل نفوذ جناح غرب‌گرا ضعیف است و نمی‌تواند جلوی آن‌ها بایستد. در آن زمان هم جناح غرب‌گرا و هم پمپاژ رسانه‌ای در کشور وجود داشت. اما در این میان، آن‌چه نقشه این‌ها را به هم ریخت، نظام مستحکمی بود که در رأس آن رهبری مقتدر وجود داشت. هنگامی که رهبر انقلاب گفتند من زیر بار این بدعت‌های غیرقانونی نمی‌روم و هشدارهای لازم را دادم و مسائل را تبیین فرمودند،



حضور اقتصاد نئولیبرال، بزرگ‌ترین اتوبان نفوذ را در اقتصاد ما ایجاد کرد. مساله، کوکاکولا، مک دونالد و... نیست، بلکه مساله این است که هر گامی که در مسیر اقتصاد شبه‌مدرن برمی‌داریم و سعی می‌کنیم اقتصاد را متحول سازیم، کاری از پیش نمی‌بریم؛ زیرا این اقتصاد ذاتاً وابسته طراحی شده و نیازمند سرمایه خارجی است. از این رو راه حل ما در وضعیت بحرانی اقتصادی کشور، برداشتن تحریم‌ها می‌شود! تا جایی که حتی مشکل آب آشامیدنی مردم با رفع تحریم‌ها حل می‌شود! علت این است که در مسیر اقتصادی غلط گام برمی‌داریم و همت نمی‌کنیم که این مسیر را عوض کنیم.

۹۱

### اقتصاد مقاومتی، تنها راه مقابله با نفوذ اقتصاد نئولیبرال است

مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی را مطرح می‌کنند؛ زیرا اقتصاد مقاومتی تنها راه حل بازطراحی اقتصاد ما است و ساخت اقتصادی را عوض می‌کند. ایشان با این طرح می‌خواهند مرکز ثقل اقتصاد را به درون ببرند و سلطه اجانب را قطع کنند. در واقع، اقتصاد مقاومتی اتوبان نفوذی را که با نسخه‌های اقتصاد نئولیبرال برای ورود دشمن ایجاد شده است، مسدود می‌کند.

اقتصاد شبه‌مدرن ذاتاً عدم توازن ساختاری بین بخش مولد و غیرمولد دارد؛ این اقتصاد به گونه‌ای طراحی شده که بخش غیرمولد، مدام تشدید می‌شود. شما اگر جریان تحریم‌ها را بردارید و همه سرمایه‌های دنیا را به آن تزریق کنید، نتیجه آن فقط تشدید تورم و رکود است؛ چون وقتی این سرمایه وارد مدارهای اقتصادی می‌شود فقط بخش غیرمولد تقویت و بخش مولد ضعیف‌تر می‌شود. پس راه حل مساله بازطراحی اقتصاد در کشور ما همان اقتصاد مقاومتی است.

### در عرصه فرهنگ هم مهاجمان از اتوبان می‌آیند!

مسؤولان ما در حال حاضر همان مسیر قبل را می‌روند و ظاهراً هیچ برنامه‌ای در جهت تغییر آن ندارند. این حرکت به مثابه یک اتوبان‌سازی برای نفوذ اقتصادی دشمن است؛ اما چیزی که از نفوذ اقتصادی مهم‌تر است و حضرت آقا هم بر آن تاکید می‌کنند، نفوذ فرهنگی است. متأسفانه

نخواهیم دید. کشور پرو و هایتی حیات خلوت آمریکا هستند، اما در درجه‌بندی جهانی برای سطح رفاه، در پایین‌ترین سطح قرار دارند. به راستی اگر قرار بود دستاورد وابستگی به آمریکا و تحت سلطه بودن، رفاه و آرامش باشد، این کشورها باید سطح قابل توجهی از رفاه را دارا باشند!

### نسخه اقتصادی تکنوکرات‌ها: بازگشت به نسخه‌های اقتصاد شبه‌مدرن رضاخان!

بسیاری از نابسامانی‌های اقتصادی کشور که به اسم تحریم تمام می‌شود، به سبب همین مدل‌های لیبرال دولت‌ها بوده است. اساساً تاریخ اقتصادی تقریباً کمی زودتر از رضاشاه و به طور خاص در دوره رضاشاه با محوریت اقتصاد لیبرال طراحی شده است. حتی امروز هم مبتلا به این اقتصاد هستیم. این اقتصاد چند ویژگی دارد: یکی از آن‌ها تک‌محصولی بودن است و دیگری این که ماهیت اقماری دارد، به طور کامل در چارچوب نظام جهانی قرار می‌گیرد و سرمایه کمی تولید می‌کند و بخش عظیمی از آن سرمایه کم هم به کشورهای اصلی سرمایه‌داری متروپل می‌رود. ویژگی دیگر این سیستم ناعادلانه بودن، ناکارآمدی، مبتنی بر فساد و رانت‌خواری و ارتشا بودن است. آقایان نئولیبرال، که از سال ۶۸ در قوه مجریه حضور دارند، برای رهایی کشور از این وضعیت، راه حل بازگشت به همین مدل را ارائه می‌دهند! این مدل نتایج شوم خود را نشان داد و کشاورزی ما را در دهه ۴۰ ویران کرد و فقر و بی‌عدالتی به بار آورد. در سایه این مدل، در آستانه انقلاب تا بن دندان «وابسته» بودیم؛ و اگر می‌توانست معجزه کند همان موقع می‌کرد.

این مدل همان مدل ۶۸ است که آن را با روایت نئولیبرال اجرایی کردند و نتیجه آن رانت‌خواری و فساد گسترده بود. در سال ۷۴ فشار بر جامعه از نظر نابرابری و فشارهای طبقاتی چنان شدت یافت که خود آن‌ها مجبور شدند این سیاست را تاحدی تعدیل کنند. اگر مسؤولان به دنبال عدالت و رفاه هستند، باید این ساختار را عوض کنند.

### برای دشمن در اقتصاد، آموزش عالی و فرهنگ به جای روزنه «اتوبان نفوذ» باز شده!

ما شاهد پیاده‌سازی مدل فروپاشی شوروی در کشور توسط غربی‌ها هستیم؛ برخی دیگر از روزه‌های نفوذ از قبیل هجوم برندهای آمریکایی و غربی، رواج فرهنگ و سبک زندگی غربی و اتفاقاتی که در آموزش عالی رخ می‌دهد، را می‌توان رصد کرد. تسخیر بیش از ۶۰ درصد از کابینه‌های کشورهای منطقه توسط تحصیل کرده‌های آمریکا و غرب نشانه اجرای سیاست‌های آمریکا در منطقه است. البته باید توجه داشت در مورد شوروی مساله فراتر از مک‌دونالد و کوکاکولا است؛ آن‌ها در آن جا یک اقتصاد ثانوی ایجاد کردند، که در آن مدل فساد اقتصادی و تجمل‌گرایی دامن مسؤولان را گرفت و این خود موجب شد که مسؤولان به آرمان‌ها، ایده‌ها و ایدئولوژی خود بی‌اعتقاد شوند و در رویارویی با غرب به انفعال روند. اما وضعیت ما در این شرایط خیلی خطرناک‌تر است؛ چون بعد از سال ۶۸ اساساً مدل اقتصادی ما به سمت بازسازی همان اقتصاد شبه‌مدرن با همان جوهر سرمایه‌داری، بی‌عدالتی، رانت‌خواری، فساد ذاتی و ناکارآمدی رفت. یعنی بعد از سال ۶۸ اقتصاد ما به این سمت رفت که در بدترین شکل خود یعنی شکل نئولیبرال بازسازی شود. نتیجه اقتصاد نئولیبرال این شد که عده‌ای آب‌خوردن مردم را هم وابسته به تحریم می‌کردند!





**در خصوص نفوذ فرهنگی از طریق وزارت علوم می‌توان به این اشاره کرد که دانشجوی علوم سیاسی برای پاس کردن واحد درسی خود باید آثار و کتاب‌های نویسندگانی مانند هانا آرنت و دکتر حسین بشیریه، را که جزو تئوریسین‌های انقلاب رنگی و دشمن انقلاب هستند بخوانند و یا باید کتاب درسی آقای همایون کاتوزیان را بخوانند! همایون کاتوزیان تئوریسین نئولیبرال و ساکن انگلستان و استاد دانشگاه کنت می‌باشد که به نظر وی، ایران یک فضای استبدادی دارد، ولایت فقیه مظهر استبداد است و ما باید به سمت یک مدل انگلیسی برویم!**

خط نئولیبرال جریان خوبی برای آمریکا در ایران است؛ زیرا نئولیبرال‌ها هم همین نوع اسلام را می‌خواهند. ما در ایران نئولیبرال‌هایی داریم که واقعا متدین هستند، مثلا آقای بازرگان یک متدین بود. امام (ره) می‌فرمودند بازرگان نماز شب می‌خواند. اما حضرت امام (ره) در خصوص همین بازرگان می‌گوید: او بدتر از منافقین و خطرناک‌تر است؛ و می‌فرماید اگر من نباشم او کشور را به دست آمریکا می‌دهد. ما با این جریان روبه‌رو هستیم؛ جریان نئولیبرالی که واقعا متدین است، اما هیچ اعتقادی به آرمان‌های انقلابی و اعتقادی به مکتب امام (ره) و مبارزه با نظام جهانی سلطه ندارد و معتقد است باید تابع نظام جهانی باشیم.

### دشمن به دنبال استحاله جمهوری اسلامی از درون

آمریکایی‌ها درباره چین و شوروی روشی را به کار بردند. در این روش در جاهایی که احساس کنند یک جریان منفعل وجود دارد و آمادگی به تمایلات غرب‌گرایی هست، از طریق دیپلماسی و مذاکره سعی می‌کنند آن جریان را فعال کنند. آن‌ها برای کشور ما نیز به دنبال همین خط هستند. آن‌ها فهمیده‌اند که جمهوری اسلامی را با شورش مردمی و اعتراض از پایین و کودتا نمی‌توان سرنگون کرد بلکه جمهوری اسلامی را باید از درون دچار استحاله نمود.

آمریکایی‌ها می‌گویند که سرآغاز سقوط شوروی، توافق‌های هلسینکی ۱۹۷۷ با آمریکا است؛ در توافق هلسینکی امتیازهای فراوانی از قبیل

ما در عرصه فرهنگ‌مان هم اتوبانی برای مهاجمان فرهنگی ساختهایم. یک جنگ نرم تمام‌عیار علیه انقلاب و نظام اسلامی و هویت شیعی، استقلال و دیانت ما وجود دارد و مسؤولان وزارت ارشاد اصلا متوجه ماجرا نیستند. در حوزه نفوذ فرهنگی در حیطه وزارت دو وزارتخانه ارشاد و وزارت علوم زمینه‌هایی دیده می‌شود که میدان برای تحرک روشن‌فکران معاند مهیا می‌باشد. در عرصه فرهنگی بخصوص بعد از برجام و دو سال اخیر فضایی بی‌نظیر برای این‌ها ایجاد شده است. توسط انبوهی از مترجمان و نویسندگان سکولار آثاری چاپ و در جامعه توزیع شده است که زمینه را برای یک نوع سکولاریسم و نئولیبرالیسم، اشباع و سبک زندگی سکولار را در زندگی ما تعریف می‌کنند و ریشه اعتقادی ما را می‌زنند. همچنین انبوهی از کتاب‌هایی در عرصه تئوریک و عرصه ادبیات و شعر و ادبیات نمایشی وجود دارد که از وزارت ارشاد مجوز چاپ گرفته‌اند و مروج سبک زندگی و اندیشه‌های نئولیبرالیسم و آرمان‌گریزی و سکولاریسم آشکار هستند و بخش کوچکی از آن‌ها هم دارای الحاد آشکارند.

### تأثیر جریان نفوذ در کتاب‌های درسی دانشجویان!

در خصوص نفوذ فرهنگی از طریق وزارت علوم می‌توان به این اشاره کرد که دانشجوی علوم سیاسی برای پاس کردن واحد درسی خود باید آثار و کتاب‌های نویسندگانی مانند هانا آرنت و دکتر حسین بشیریه<sup>۲</sup>، را که جزو تئوریسین‌های انقلاب رنگی و دشمن انقلاب هستند بخوانند و یا باید کتاب درسی آقای همایون کاتوزیان<sup>۳</sup> را بخوانند! همایون کاتوزیان تئوریسین نئولیبرال و ساکن انگلستان و استاد دانشگاه کنت می‌باشد که به نظر وی، ایران یک فضای استبدادی دارد، ولایت فقیه مظهر استبداد است و ما باید به سمت یک مدل انگلیسی برویم! او در کتاب اقتصاد سیاسی مشروطه خود، رضاشاه و وثوق‌الدوله را که قرارداد ۱۹۱۹ را منعقد کردند، تلهیر می‌کند و می‌گوید او رجال سیاسی عاقل و قهرمان بوده است. انبوهی از این کتاب‌ها به عنوان منبع درسی دانشگاه‌های ما وجود دارد. با این برنامه می‌بینیم افرادی در وزارت علوم نفوذ دارند که مسیر را برای تهاجم فرهنگی معاندان باز کرده‌اند. وزارت ارشاد هم از طریق عرصه کتاب‌های این افراد و درج مقالات‌شان در مطبوعات، راه وسیع و همواری برای نفوذ درست کرده است. بنابراین اقتصاد و فرهنگ ما مسیر مناسبی برای نفوذ دشمن شده‌اند و آن‌ها به دنبال این هستند که با ایجاد این فضا و ترویج سکولاریسم نئولیبرال در جامعه و نگاه آرمان‌گرای و بی‌اعتقاد به انقلاب و تضعیف پایه‌های دین‌داری جامعه، شرایط را برای حضور در عرصه سیاسی آماده کنند. هر چند که الان هم حضور دارند و در قدرت شریک هستند. اما آن‌ها در پی توازن قوا به نفع خود و به دست گرفتن کامل قدرت هستند.

آن‌ها ممکن است صورت جمهوری اسلامی را حفظ کنند و حتی بپذیرند که در راس آن یک معمم حضور داشته باشد (همان‌طور که رهبر انقلاب فرمودند) اما سیرت آن را عوض کنند؛ این‌ها با اسلام داشتن ما مشکلی ندارند. آن‌ها با اسلام طالبانی و اسلام عربستان مشکل ندارند. آن‌ها می‌خواهند اسلام جهاد و مبارزه علیه صهیونیسم و آمریکا نباشد، اسلامی که در پی عدالت‌طلبی و توجه به مستضعفین است نباشد. آن‌ها دقیقا دنبال این هستند.

**جریان نئولیبرال مثل بازرگان متدین است، اما اعتقادی به مبارزه با نظام سلطه ندارد!**



است و همین مساله آن‌ها را متزلزل و نگران کرده است. در صورتی که جریان حزب‌الله در ایران بسیج شود و با آگاهی و خوش‌فکری به طور جدی به جنگ نرم پا گذارد، مقابله با این جریان‌های نفوذ هیچ دشواری ندارد؛ البته به شرط این که مسؤولان حمایت‌های لازم را انجام دهند.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. نئولیبرالیسم یکی از گونه‌ها و مراحل لیبرالیسم است که در اواخر قرن بیستم با افول دولت‌های رفاهی و گرایش به سیاست‌های لیبرالیسم اقتصادی، ناسازگاری لیبرالیسم با دموکراسی آشکار شد و امروزه موج تازه‌ای از اندیشه‌های لیبرالی، تحت عنوان نئولیبرالیسم به وجود آمده است. تأکید نئولیبرالیسم بر این است که مکانیسم بازار باید اداره‌کننده سرنوشت بشر باشد. فقط اقتصاد باید قواعدش را بر جامعه دیکته بکند و بر عکس نباید باشد. از چهره‌های مشهور نئولیبرالیسم می‌توان به فون‌هایک، رابرت نوزیک اشاره کرد. (فرهنگ واژه‌ها، عبدالرسول بیات، ص ۴۷۲)
۲. جامعه باز و دشمنان آن (به انگلیسی: The Open Society and Its Enemies) اثر کارل پوپر (۱۹۰۲-۱۹۹۴) فیلسوف انگلیسی اتریشی تبار است. این کتاب در سال ۱۹۴۵ منتشر شد. در این کتاب، از دید نویسنده افلاطون و هگل و کارل مارکس دشمنان جامعه باز هستند و آن‌ها را به نقد می‌کشاند. این کتاب توسط عزت‌الله فولادوند ترجمه و انتشارات خوارزمی آن را در سال ۳۲ منتشر کرده و تا سال ۱۳۸۰ به چاپ سوم می‌رسد.
۳. کتاب بچه‌های نیمه‌شب رمانی نوشته سلمان رشدی، در سال ۱۹۸۱ است. سلمان رشدی در این رمان به دوران گذار از استعمار انگلیس به استقلال هند می‌پردازد. این رمان را می‌توان نمونه‌ای از ادبیات پسااستعماری و رئالیسم جادویی دانست. رویدادهای این رمان در بستر اتفاق‌های تاریخی رخ می‌دهد و از این رو می‌توان آن را رمانی تاریخی هم قلمداد کرد. بچه‌های نیمه‌شب جایزه بوکر ۱۹۸۱ و جایزه جیمز تیت بلک موریل را در همان سال از آن خود کرد. در جشن سالگرد بیست و پنجمین و چهلین سال برگزاری جایزه بوکر، در ۱۹۹۳ و ۲۰۰۸، بچه‌های نیمه‌شب جایزه بوکر، بوکرها و جایزه بهترین برگزیدگان بوکر در همه زمان‌ها را برنده شد. همچنین این رمان تنها رمان هندی است که در لیست ۱۰۰ رمان برتر انگلیسی زبان مجله تایم از زمان انتشار در سال ۱۹۲۳ آن تاکنون قرار گرفته است. مهدی سحابی بچه‌های نیمه‌شب را به فارسی ترجمه کرد و در سال ۱۳۶۴ برنده جایزه بهترین رمان خارجی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد.
۴. مرتضی آوینی، مقاله، حلزونهایی خانه به دوش
۵. مصاحبه میرحسین موسوی کاندیدای ریاست جمهوری ایران با تایم مورخ ۱۱ ژوئن (۲۱ خرداد)
۶. جزو تئوریسین‌های انقلاب رنگی و دشمن انقلاب است که سال ۹۰-۸۹ از ایران رفت و در اندیشه‌های آمریکایی علیه انقلاب اسلامی ایران فعالیت می‌کند.
۷. تئوریسین نئولیبرال ساکن انگلستان و استاد دانشگاه کنت می‌باشد.

موشک‌های سالت به شوروی دادند اما در عین حال شوروی را ملزم به تعهد دادن به برخی شرایط در داخل کشورش کردند؛ که فضایی برای فعالیت نویسندگان و مطبوعات نئولیبرال (که آن موقع بیش‌تر لیبرال کلاسیک بودند فراهم کنند. در واقع برای چین هم همین کار را کردند.

#### علی‌رغم فشارهای بسیار بر ایران، نقشه خاورمیانه بزرگ آمریکا ناکام ماند

از همان اوایل انقلاب برای جمهوری اسلامی شریک نئولیبرال وجود داشته و حتی بعضاً در لایه‌های حاکمیت حضور داشتند و سعی می‌کردند ضربه بزنند، اما با وجود این نقشه‌ها انقلاب اسلامی توانسته به عنوان یک کشور مستقل و خارج‌شده همه مستکبران جهان باقی بماند. زیرا انقلاب اسلامی تمام استراتژی و منافع آمریکا را در خاورمیانه و حتی در مقیاس کشورهای اقماری که معروف به جهان سوم هستند به هم ریخته است. علی‌رغم این‌ها انقلاب اسلامی یک انقلاب طلیعه‌دار در مقیاس جهانی است، بحث بازگشت به دین و معنویت و عبور از سکولاریسم را مطرح کرده و از جهت سیاسی و اقتصادی ساختار منطقه را به ضرر آمریکا تغییر داده است و انقلاب اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین پشتیبان جریان‌های عدالت‌طلب، مقاوم و مبارز ضدصهیونیستی و ضدآمریکایی در منطقه است.

از این رو آمریکایی که به راحتی توانست عراق را سرنگون و افغانستان را اشغال کند، به دلیل حضور ایران در منطقه نتوانسته است طرح خاورمیانه بزرگ خود را عملی کند. ایران با ظرفیت مقاومت و جاذبه ایدئولوژیکی، اعتقادی، قدرت بسیج مستضعفین و مسلمانان منطقه و جهان، باعث شد نقشه خاورمیانه بزرگ آمریکا عملی نشود.

خاورمیانه برای آمریکا یک منطقه فوق استراتژیک است؛ زیرا این کشور با تسلط بر خاورمیانه می‌تواند به جنگ قدرت‌هایی در شرق دور مانند روسیه و چین برود، او باید مقر مستحکمی در غرب آسیا داشته باشد. ایران می‌توانست این مقر باشد. اما جمهوری اسلامی آن را گرفته و آمریکا پایگاه بزرگ خود را در خاورمیانه از دست داد. ایران اصلی‌ترین فرزندان مشروع غرب یعنی اسرائیل را ناامن و جنبش‌های مقاومت منطقه را فعال کرده است. ایران اصلی‌ترین کانون حمایت و دفاع از انقلاب جهانی